

بررسی و نقد کتاب انگلیسی پایه هفتم

از دیدگاه مدل تحولی - تفاوت‌های فردی مبتنی بر ارتباط^۱

رضا پیش‌قدم*

زهرا رستمی سرابی**

چکیده

کتاب درسی یکی از مهم‌ترین مراجع و منابع یادگیری دانش‌آموزان در هر نظام آموزشی است و در ایران نیز یکی از مهم‌ترین نقش‌ها را در برنامه‌ی درسی ایفا می‌کند. در این مطالعه می‌کوشیم به صورت کیفی نقش کتاب انگلیسی پایه هفتم را در کیفیت یادگیری دانش‌آموزان بررسی کنیم. ارزیابی صوری، ارزیابی محتوایی، بررسی ایجاد حس هیجانی با زبان، و میزان رضایتمندی دانش‌آموزان و معلمان پایه هفتم از کتاب مذکور از جمله اهداف این تحقیق است. از این رو، از ۶۰ دانش‌آموز کلاس هفتم و ۱۰ معلم زبان انگلیسی پایه هفتم مدرسه دخترانه دولتی بعثت در شرق تهران خواسته شد تا در مصاحبه‌ای در این خصوص شرکت کنند. نتایج مصاحبه‌ها حاکی از عملکرد ضعیف کتاب در ایجاد حس هیجانی با واژگان و تصاویر است. در پایان، راه‌کارهایی برای ارتقای سطح کیفی و حس هیجانی واژگان و تصاویر کتاب جدیدالتألیف پایه هفتم ارائه کرده‌ایم.

کلیدواژه‌ها: مدل تحولی - تفاوت‌های فردی مبتنی بر ارتباط، ایجاد حس هیجانی با زبان، مصاحبه، کتاب انگلیسی پایه هفتم.

* استاد آموزش زبان انگلیسی، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول) rpishghadam@um.ac.ir

** دانشجوی دکتری آموزش زبان انگلیسی، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران sarah_rostami1985@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۳/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۵/۲۰

۱. مقدمه

آموزش زبان انگلیسی از دیرباز مورد توجه صاحب‌نظران تعلیم و تربیت در ایران بوده است. واقعیت امر این است که از آموزش مستمر و مداوم زبان انگلیسی در سال‌های تحصیلی راه‌نمایی و دبیرستان، معمولاً جز تجربه‌ای ناامیدکننده چیزی در ذهن دانش‌آموزان باقی نمی‌ماند. با آن‌که سالانه میلیاردها ریال هزینه تعلیم و تربیت معلمان و مدرسان و تهیه و تألیف کتب درسی زبان انگلیسی در مدارس و دانشگاه‌ها می‌شود، نتایج آن‌چنان رضایت‌بخش نیست. به طور مسلم، برای بررسی آسیب‌شناسی آموزش زبان انگلیسی باید با آن‌که از چهارچوب اکولوژیکی (ecological) - فراکلاسی و نحوه تدریس فراتر نهاد و ابعاد عاطفی و ایجاد حس هیجانی در کتب درسی را بررسی کرد.

در ابتدای امر ذکر این نکته ضروری است که نقش هیجان در جریان تعلیم و تربیت بسیار مهم است، زیرا توجه دانش‌آموزان را برمی‌انگیزد و باعث تقویت انگیزه یادگیری و افزایش قدرت حافظه می‌شود. شکی نیست که انسجام یافتن رفتارها، هیجان‌ها، و شناخت‌ها در دهه آغازین رشد انعکاس مهمی در کنش هیجانی و روانی فرد در تمام عرصه زندگی دارد. در الگوی رشد این عقیده ضمنی استنباط می‌شود که در جریان رشد برخی اجزای ترکیبی رشد هیجانی مقدم بر اشکال بعد شناختی است. در نتیجه، در رشد اولیه عناصری از قبیل عاطفه و هیجان پیش‌قراول‌های تفکرند. این موضوع با مطالعات زیست - عصبی (neurobiology) حمایت می‌شود و نشان می‌دهد نظام هیجانی قبل از شبکه‌های مغز، که برای شناخت نقش اساسی دارند، فعال می‌شود.

پژوهش‌گران بر اهمیت تعامل عوامل ژنتیکی و محیطی بر چگونگی رشد انسان تأکید دارند. تحول جسمی و روان‌شناختی کودکان ماحصل فرایند تعاملات زیستی، فرهنگی، اجتماعی، و عاطفی است. پیازه (Piaget, 1926)، با تأکید بر نقش زیستی تحول شناختی انسان، تعامل موجود زنده و محیط را در تحول شناختی کودک تعیین‌کننده می‌دانست. تحت تأثیر ویگوتسکی (Vygotsky) و در چهارچوب دیدگاه‌های تعاملی، نقش تعاملات اجتماعی در تحول توانایی‌های سطح بالای شناختی از جمله تفکر و خودآگاهی مورد توجه قرار گرفته است (Wertsch, 1985).

طرف‌داران مدل تحولی - تفاوت‌های فردی مبتنی بر ارتباط با تأکید بر نقش تعاملات هیجانی (emotional interactions) در رشد روان‌شناختی انسان معتقدند که تمامی توانایی‌های انسان اکتسابی‌اند که درون روابط هیجانی کودک با دیگران ساخته می‌شوند و تحول می‌یابند. این مدل بر نقش هیجان‌ات تأکید بسیاری دارد. در این چهارچوب، برخلاف

دیدگاه‌هایی که به توازی شناخت و هیجان (Le Doux, 2003) و یا تقدم شناخت بر هیجان (Lazarous, 1984) معتقدند، هیجان‌ها عامل پدیدآورنده شناخت، تفکر، خودآگاهی، و خلاقیت در نظر گرفته می‌شوند (Greenspan and Shanker, 2004).

تاکنون تحقیقات بسیاری درباره نقش هیجان‌ها در قابلیت‌های انسانی و پیش‌رفت تحصیلی دانش‌آموزان انجام شده است (Pishghadam, 2009; Pishghadam et al., 2013)، اما تا به امروز درباره نقش مدل تحولی - تفاوت‌های فردی مبتنی بر ارتباط در کتب زبان انگلیسی در ایران پژوهشی انجام نشده است. بهتر است بدانیم که برقراری ارتباط عاطفی - زبانی در کتب زبان انگلیسی چگونه به فرایند یادگیری زبان در دانش‌آموزان کمک می‌کند تا به یافته‌هایی برسیم که از طریق آن بتوان کتب درسی بهتری را تهیه و تدوین کرد.

یادگیری مهارت زبانی به کتاب آموزشی مشخصی نیاز دارد که به منظور راه‌برد برنامه‌ای آموزشی طرح‌ریزی شود که خود شامل اهداف آموزش، روش تدریس، تمرینات، و تعیین روش‌های ارزیابی است. اخیراً کتابی در زمینه زبان انگلیسی پایه هفتم (خدیرشربیان و هم‌کاران، ۱۳۹۲) به نگارش درآمده است که توجه بسیاری از صاحب‌نظران را برانگیخته است. این کتاب از جنبه‌های گوناگون بررسی شده است. به ادعای مؤلفان، این کتاب برای نخستین‌بار آموزش هر چهار مهارت زبان (گوش دادن، صحبت کردن، خواندن، و نوشتن) را در بسته آموزشی منسجم و هماهنگ تدوین کرده است.

در کتاب انگلیسی پایه هفتم، در قالب هشت درس و ۷۶ صفحه، سعی شده است تمامی موضوعات ابتدایی از جمله سلام و احوال‌پرسی، سال تولد، خانواده، شکل ظاهری افراد، خانه، آدرس‌ها، و غذاها گنجانده شوند.

به نظر می‌رسد، مهم‌ترین دستاورد این کتاب طراحی و تدوین مطالب درسی حول محور ملی و با توجه به فرهنگ اصیل و هویت ارزشمند اسلامی و ایرانی است. مؤلفان کتاب در پی بومی‌سازی و پررنگ کردن فرهنگ غنی اسلامی و ایرانی، تمامی نام‌ها و واژگان کتاب را از این منظر انتخاب و سعی در ترویج غرب‌زدایی کرده‌اند. برای مثال، نام‌های ایرانی حسین، عرفان، و زینب جای اسامی غربی را گرفته‌اند. به طوری که، تصاویر و نام‌ها در قالب فرهنگ ایرانی برای یادگیری زبان بیگانه تاحدودی نامأنوس به نظر می‌رسند.

بنابراین، در این پژوهش قصد داریم ایجاد حس هیجانی زبان در کتاب جدیدالتألیف انگلیسی پایه هفتم را بررسی کنیم و رویکرد آموزشی و رغبت دانش‌آموزان را از منظر مدل تحولی - تفاوت‌های فردی مبتنی بر ارتباط مطالعه کنیم.

۲. پیشینه تحقیق

بسیاری از محققان و نویسندگان به نقش اساسی عواطف در تمامی ابعاد زندگی انسان اشاره کرده‌اند. مطالعه عواطف انسان سابقه بسیار طولانی دارد. کوپر (Cooper, 1997) معتقد است همه تجربیاتی که افراد در مراحل مختلف زندگی کاری و شخصی خود کسب می‌کنند به صورت خاطرات عاطفی در ذهنشان باقی می‌ماند. در هنگام کسب تجربه، عقل افراد به طور خودکار درگیر عواطف و هیجانات عاطفی می‌شود؛ بدین ترتیب، دقت و کارایی فرایند تصمیم‌گیری را به طور چشم‌گیری افزایش می‌دهد.

سرمایه عاطفی (emotional capital) در روند زندگی انسان نقش بسزایی دارد. چنانچه افراد انگیزه و نگرش بالایی داشته باشند، تلاش بیش‌تری برای دستیابی به اهداف سازمان از خود نشان خواهند داد. به طور کلی، افراد به منظور انتقال دانش (سرمایه انسانی)، برقراری روابط (سرمایه اجتماعی)، و عملیات اثربخش نیاز به اعتماد به نفس بر مبنای عزت‌نفس، شجاعت، و انطباق‌پذیری (سرمایه عاطفی) دارند.

در همین باره، بُردیو (Bourdieu, 1986) با معرفی سرمایه فرهنگی (cultural capital) و سرمایه اجتماعی (social capital) معتقد است که توجه به این سرمایه‌ها در رشد سریع افراد در پیش‌رفت تحصیلی مؤثر است. به باور او، تقسیم جامعه به طبقه‌های متعدد فقط ماهیت اقتصادی ندارد، بلکه سرمایه‌های اجتماعی، عاطفی، و فرهنگی نیز در این تقسیم‌بندی دخیل‌اند. برای مثال، «محصولات فرهنگی» از قبیل رایانه، کتاب، و فیلم می‌توانند نقش «سرمایه فرهنگی» را برای زبان‌آموز داشته باشند. به عقیده وی، ویژگی‌هایی از قبیل تعداد افراد خانواده، وضعیت شغلی پدر، و سواد والدین تأثیر مهمی در افراد می‌گذارند (سرمایه‌های اجتماعی).

مؤلفه‌های گوناگونی در موفقیت تحصیلی افراد مؤثرند. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، تجربه و هوش لزوماً نقش تعیین‌کننده‌ای در موفقیت تحصیلی افراد ندارند. ما دانش‌آموزان باهوش را می‌بینیم که در بسیاری موارد موفق نیستند، در حالی که عده کمی بدون مهارت‌ها یا خصوصیات بارز موفق‌اند، علت این عوامل در هوش هیجانی (emotional intelligence) خلاصه می‌شود.

سرمایه عاطفی شامل چهار مؤلفه ذیل است:

۱. درک یا حس حالات هیجانی و عاطفی؛

۲. به‌کارگیری هیجان‌ها و عواطف به منزله حامی فکر؛

۳. شناخت حالات هیجانی و عاطفی؛

۴. مدیریت و اداره هیجان‌ها و عواطف (خسرو جاوید، ۱۳۸۱).

گلمن (Goleman, 1995)، در نقش روان‌شناس، چنین اظهار داشت که هوش شناختی در بهترین شرایط فقط ۲۰٪ از موفقیت‌ها را باعث می‌شود و ۸۰٪ باقی‌مانده به عوامل دیگر وابسته است و سرنوشت افراد در بسیاری از موقعیت‌ها در گرو مهارت‌هایی است که هوش هیجانی را تشکیل می‌دهند. در واقع هوش هیجانی موفق نبودن افراد با ضریب هوشی بالا و هم‌چنین موفقیت غیرمنتظره افراد دارای هوش متوسط را تعیین می‌کند.

در همین زمینه، الگوی تحولی - تفاوت‌های فردی مبتنی بر ارتباط با برجسته کردن نقش عوامل هیجانی و عاطفی درصدد ارائه الگویی یک‌پارچه در زبان‌آموزی است. این نظریه در واقع، برخلاف نظریه چامسکی (Chomsky, 1959; 1957) و تأکید آن بر ذاتی بودن زبان، پیازه (Piaget, 1980; 1954) و تأکید آن بر تحول شناختی کودک، ویگوتسکی (Vygotsky, 1978) و برونر (Bruner, 1983) و تأکید آن‌ها بر نقش عوامل اجتماعی، به عوامل عاطفی و هیجانی توجهی ویژه دارد و زبان‌آموزی را ماحصل تعاملات هیجانی موفق میان والدین و کودک طی دوران فراگیری زبان می‌داند.

به نظر می‌رسد نظریه تحولی - تفاوت‌های فردی مبتنی بر ارتباط گرینسپن با اصول هوش هیجانی و تأکید گلمن (Goleman, 1995) بر عوامل هیجانی هم‌سو و منطبق است. از آن‌جا که محور اصلی این الگو مبتنی بر ارتباط و تعامل عاطفی و هیجانی میان کودک و والدین است، در خانواده‌ای با سرمایه عاطفی کم‌تر، فرایند زبان‌آموزی کندتر اتفاق می‌افتد (Shanker and Greenspan, 2005). پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه یادگیری زبان دوم نیز بر این حقیقت صحنه می‌گذارند. صرف نظر از این‌که چه بینشی نسبت به فرایند یادگیری مطرح است، در کلاس‌هایی که روابط هیجانی و عاطفی مورد توجه قرار می‌گیرد، زبان‌آموزان موفق‌ترند و فرایند زبان‌آموزی با سرعت بیش‌تری اتفاق می‌افتد (Pishghadam, 2009).

پیش‌قدم و هم‌کاران (۱۳۹۲) با الهام از این نظریه و اهمیت نقش عواطف و هیجان‌ات، روش آموزش زبان را مبتنی بر هیجان‌ات (emotion-based language instruction) نامیدند. این رویکرد بر دو پایه اساسی استوار است: ۱. برقراری ارتباط هیجانی مؤثر با شاگرد و ۲. ایجاد حس هیجانی با زبان (emotionalize language).

در حقیقت، گرینسپن و شانکر (۲۰۰۴) نقش بسیار مهمی برای عواطف و هیجان‌ات قائل‌اند و آن‌ها را حلقه گم‌شده میان عوامل شناختی و اجتماعی می‌دانند. کودک برای یاد

گرفتن واژه «سریع» نیاز دارد نخست، با ماشین اسباب‌بازی خود همراه پدر خود بازی کند. پسر برای مدتی ماشین خود را عقب جلو می‌کند، پدر ماشین خود را نزدیک او می‌کند، پسر ماشین خود را عقب می‌کشد تا تصادف نکند. پس از برقراری ارتباط کامل میان پدر و پسر و ایجاد حس عاطفی نسبت به ماشین در کودک، پدر واژه «سریع» را استفاده می‌کند و به پسر خود می‌گوید: «سریع رد شو به ماشین من نخوری». پسر کم‌کم حس عاطفی نسبت به این واژه پیدا می‌کند و رفتارهای حرکتی به‌مرور قالب کلامی می‌یابند (Greenspan and Weider, 1999).

یادگیری شبکه گسترده‌ای از ارتباطات است که کشف زوایای پنهان آن مستلزم واکاوی لایه‌های متفاوت عاطفی محیط و کتب آموزشی است و فقط از این راه می‌توان فرایند یادگیری زبان را به خاطر عاطفی لذت‌بخش تبدیل کرد. بدیهی است که نمی‌توان نقش عواطف و هیجانات عاطفی را در پیش‌رفت سطح مهارت زبان انگلیسی دانش‌آموزان نادیده گرفت؛ با این حال، تاکنون تحقیقی در ایران انجام نشده است که کتب درسی را از بعد نقش عواطف و هیجانات عاطفی نقد و بررسی کند.

در این تحقیق کوشیده‌ایم نقش عواطف و هیجانات عاطفی واژگان و تصاویر کتاب انگلیسی پایه هفتم را بررسی کنیم. افزون بر این، تحقیق حاضر سعی دارد از طریق نظرسنجی از دانش‌آموزان و معلمان زبان پایه هفتم میزان رضایت‌مندی آن‌ها را از کتاب مورد نظر مطالعه کند. بیش‌تر تحقیقات انجام‌شده در حوزه هوش هیجانی از محدوده موفقیت تحصیلی و مهارت‌های زبانی فراتر نرفته است. در این مطالعه، ابعاد عواطف و هیجانات عاطفی در چهارچوب کتاب درسی بیان شده است. در پایان تحقیق سعی کرده‌ایم نقاط ضعف کتاب را از بعد عاطفی ارائه دهیم تا بتوانیم در حد امکان از تأثیر منفی کتاب درسی در یادگیری زبان انگلیسی بکاهیم.

۳. هدف تحقیق

در این پژوهش قصد داریم میزان موفقیت کتاب انگلیسی پایه هفتم در ایجاد حس عاطفی و هیجانی با زبان را واکاوی کنیم. علاوه بر این، مطالعه حاضر قصد دارد رابطه عاطفی میان واژگان و تصاویر کتاب و کیفیت یادگیری زبان انگلیسی را بررسی کند. از جمله عواملی که انگیزه اصلی برای این مطالعه ایجاد کردند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- میزان تعامل هیجانی مؤثر بین دانش‌آموز و کتاب درسی؛

- بررسی میزان ارزش‌گذاری دانش‌آموزان نسبت به بومی‌سازی زبان انگلیسی؛

- مغایرت هدف‌گذاری‌های مؤلفان با کتاب‌های درسی؛
- میزان تأثیر ایجاد حس هیجانی با زبان در موفقیت و یادگیری زبان.

۴. روش تحقیق

۱.۴ نمونه‌ها

این تحقیق به شکل نظرسنجی کیفی با ۶۰ دانش‌آموز دختر مدرسه دولتی بعثت در شرق تهران انجام شد. سن این دانش‌آموزان بین ۱۲ تا ۱۳ سال است که در سال تحصیلی ۱۳۹۲-۱۳۹۳ دانش‌آموز کلاس هفتم (اول متوسطه) بوده‌اند. به علت قوانین آموزش و پرورش، نتوانستیم وارد مدارس پسرانه شویم و با دانش‌آموزان پسر پایه هفتم مصاحبه کنیم، به همین سبب، همه دانش‌آموزانی که در این تحقیق شرکت کردند دختر بودند. این ۶۰ دانش‌آموز دختر مدرسه بعثت در کلاس‌های تابستانی که در مدرسه برگزار می‌شد حضور داشتند. افراد در این کلاس‌ها محدود به طبقه خاصی نبودند و از هر قشری از جامعه و هر سطح اقتصادی شرکت داشتند. برای آگاهی از وضعیت اقتصادی و اجتماعی دانش‌آموزان از مدیر مدرسه اطلاعاتی راجع به هریک از آن‌ها دریافت کردیم. ۳۸ نفر از این دانش‌آموزان از درس زبان پایه هفتم نمره بالای ۱۵ دریافت کرده بودند و ۱۲ نفر باقی‌مانده میانگین نمرات زیر ۱۵ داشتند. بنابراین، این گروه از دانش‌آموزان به دو گروه متوسط به بالا و متوسط به پایین تقسیم شدند. معیار اصلی برای طبقه‌بندی دانش‌آموزان نمرات زبان انگلیسی پایان ترم سال تحصیلی ۱۳۹۲-۱۳۹۳ بود. علاوه بر این، با تعدادی از معلمان زبان انگلیسی پایه هفتم (۴ مرد و ۶ زن) که در سال تحصیلی ۱۳۹۲-۱۳۹۳ کتاب مذکور را تدریس کرده بودند مصاحبه‌ای انجام شد. میانگین سن این معلمان ۳۰ سال و سابقه تدریس آن‌ها بین ۶ تا ۲۲ سال بود. شایان ذکر است که مصاحبه‌ها به تعدادی انجام شد که اطلاعات دریافتی به حد اشباع رسید.

۲.۴ شیوه انجام پژوهش

این تحقیق در تابستان سال ۱۳۹۳ به مدت یک ماه به طول انجامید. طی شرکت در کلاس‌های تابستانی مدرسه بعثت، با ۶۰ دانش‌آموز دختر این مدرسه که در سال تحصیلی گذشته کتاب زبان پایه هفتم را گذرانده بودند مصاحبه شد. این مصاحبه‌ها بعد از جلسه سوم کلاس انجام شد. سؤال این تحقیق این است که آیا افراد گروه متوسط به بالا و پایین

از سطح کیفی کتاب رضایت داشتند؟ این رضایت در ابعاد گوناگون ایجاد حس عاطفی و هیجانی با زبان و ایجاد انگیزه یادگیری بررسی شده است. مصاحبه‌ها معمولاً بعد از کلاس زبان دانش‌آموزان در تابستان انجام و ضبط شد. سؤال‌هایی که از آن‌ها پرسیده شد موارد زیر را در بر می‌گیرد:

۱. آیا جانشینی نام‌ها و اسامی فارسی در درک بهتر جملات انگلیسی مؤثر بود؟
 ۲. هنگام یادگیری واژگان در قالب فرهنگ اصیل ایرانی و اسلامی چه حسی داشتید؟
 ۳. آیا می‌توانستید با تصاویر و واژگان کتاب ارتباط حسی و عاطفی برقرار کنید؟
 ۴. آیا تصاویر و واژگان کتاب انگیزه زبان‌آموزی را در شما تقویت کرده است؟
- در مرحله دوم تحقیق با تعدادی معلم زبان انگلیسی که کتاب پایه هفتم را تدریس کرده بودند مصاحبه حضوری انجام شد. این مصاحبه‌ها بعد از مصاحبه دانش‌آموزان انجام و ضبط شد. مدت زمان مصاحبه‌ها بین ۱۰ تا ۲۰ دقیقه بر اساس تمایل معلمان برای توضیح سؤال‌های مورد نظر بود. هدف از این مصاحبه این بود که تصویر روشنی از نقاط ضعف و قوت این کتاب به دست بیاوریم. مصاحبه‌ها عناوین زیر را پوشش می‌دهد:
۱. آیا سطح آموزشی کتاب با سطح علمی دانش‌آموزان یکسان است؟
 ۲. دانش‌آموزان چگونه با کتاب ارتباط برقرار می‌کردند؟
 ۳. آیا بومی‌سازی و ایرانی کردن مکالمات و واژگان در فهم بهتر مطالب مؤثر بود؟
 ۴. نقاط ضعف و قوت کتاب انگلیسی پایه هفتم را با توجه به تجربه تدریس این کتاب بازگو کنید.

در پایان، هریک از مصاحبه‌هایی را که با معلمان و دانش‌آموزان انجام دادیم از طریق بررسی محتوا تحلیل کردیم؛ بدین صورت که ساختارهای معنایی مشابه (زمینه‌های مشترک) دانش‌آموزان و معلمان را از مصاحبه‌ها استخراج و هریک را بررسی کردیم.

۳.۴ ابزار پژوهش

ابزار اصلی این پژوهش، در کنار مصاحبه‌های انجام‌شده با دانش‌آموزان و معلمان، کتاب انگلیسی پایه هفتم است که بر مبنای نظرسنجی کیفی نقد و بررسی شد. کتاب زبان پایه هفتم در هشت درس و یک مقدمه تنظیم شده است و بعد از هر دو درس دو صفحه مرور درس (review) آمده است. بنابراین، این کتاب در مجموع هشت درس و چهار مرور درس

دارد. علاوه بر این، ضمیمه‌ای ۲۹ صفحه‌ای، با عنوان فرهنگ تصویری (photo dictionary) متناظر با درس‌های کتاب برخی مفاهیم را در قالب عکس و تصویر معرفی می‌کند. کتاب کار (workbook) نیز هشت درس دارد که شامل تمرینات مختلف آموزشی برای تقویت دو مهارت خواندن و نوشتن است. کتاب کار دو ضمیمه دارد: ضمیمه اول در ۲۶ صفحه به تمرین الفبای انگلیسی می‌پردازد و ضمیمه دوم معانی فارسی دستورالعمل‌های کتاب اصلی را ارائه کرده است.

۵. بحث و تحلیل

۱.۵ بررسی میزان رضایت دانش‌آموزان از کتاب انگلیسی پایه هفتم و ایجاد حس هیجانی با زبان

پس از کنار هم قرار دادن نتایج، مشخص شد کتاب حاضر از حیث انتخاب واژگانی که دانش‌آموزان نسبت به آن‌ها پیش‌زمینه قبلی داشته باشند کاملاً موفق عمل کرده است. واژگان کتاب در طیف واژگانی قرار دارند که هر دانش‌آموز در هر سطح اجتماعی، فرهنگی، و اقتصادی کم‌وبیش با آن‌ها روبه‌رو شده است، اما ۵۵ نفر از دانش‌آموزان معتقد بودند با وجود داشتن پیش‌زمینه قبلی درباره واژگان کتاب، هیچ‌گونه ارتباط عاطفی با واژگان برقرار نمی‌کردند. به گفته آن‌ها بومی‌سازی فضای کتاب زبان خارجه در قالب استانداردهای فرهنگ اصیل ایرانی و اسلامی جالب نیست. در این جا نمونه‌هایی از این موارد را برای ارائه تصویری روشن‌تر و بررسی دقیق‌تر ذکر می‌کنیم. در مصاحبه‌ها، یکی از دانش‌آموزان گروه متوسط به پایین بیان داشت:

با اسامی ایرانی مثل عرفان، زینب و ... در فضای کتاب زبان انگلیسی ارتباط برقرار نمی‌کردم. کتاب خیلی خشک و جدی بود. واژگان کتاب مثل مانتو، چادر و ... همه فارسی به نظر می‌رسیدند از این رو کتاب را جدی نمی‌گرفتم.

این دانش‌آموز گفت که اگر کتاب انگلیسی پایه هفتم هم مثل سایر کتاب‌های مؤسسات جذاب بود تلاش می‌کرد تا از این درس نمره بهتری بگیرد. در ادامه، نمونه‌هایی از مصاحبه‌های دانش‌آموزان متوسط به بالا برای بررسی بیشتر ذکر شده است. برای مثال، یکی از دانش‌آموزان در کلاس گفت:

سر کلاس وقتی یک جمله می‌گفتند که اسم ایرانی بود همه دانش‌آموزان به بهانه‌های مختلف شروع به فارسی صحبت کردن می‌کردند انگار نه انگار که کلاس درس زبان

انگلیسی است. ما هیچ‌گونه ارتباط عاطفی با اسامی فارسی برقرار نمی‌کردیم. مثلاً خیابان آزادی را می‌دانستیم، ولی در قالب درس زبان انگلیسی ترجیح می‌دادیم نام‌های خیابان‌هایی را یاد بگیریم که کاملاً انگلیسی بودند.

دانش‌آموز دیگری بیان داشت:

از درس زبان متنفر شده بودم. سر کلاس فقط به تصاویر می‌خندیدم انگار که کتاب عربی یا ادبیات فارسی است.

بنابراین، آنچه مشخص است، در این تحقیق، دانش‌آموزان هیچ‌یک از گروه‌های متوسط به بالا یا پایین ارتباط عاطفی و هیجانی با واژگان کتاب برقرار نمی‌کردند. برقرار نکردن حس عاطفی و هیجانی با واژگان و تصاویر کتاب باعث شد دانش‌آموزان تجربه تلخی از کتاب انگلیسی پایه هفتم داشته باشند. به نظر می‌رسد، اصرار اغراق‌آمیز در به تصویر کشیدن فرهنگ اسلامی و ایرانی تداعی و ارتباط عاطفی با واژگان برای دانش‌آموزان را سخت می‌کند.

متخصصان آموزش زبان دوم معیارهای مختلفی (فراوانی، کاربرد ارتباطی، و نمونه‌اعلا) را برای گزینش واژگان در زبان دوم ارائه کرده‌اند (Widdowson, 2003). پیش‌قدم و هم‌کاران (۱۳۹۲) بر این باورند که معیار درجه هیجانی (emotioncy) نیز می‌تواند در واژه‌گزینی کلمات استفاده شود. در همین زمینه، نتیجه نقد و پژوهش حاضر حاکی از آن است که فقط بومی‌سازی و بافتی کردن (در متن استفاده کردن) واژگان برای زبان‌آموزی کافی نیست؛ مؤلفان کتاب‌های زبان باید واژگانی را در کتاب بگنجانند که دانش‌آموزان آن مقطع قادر باشند با آن حس عاطفی برقرار کنند.

در مطالعه پیش‌قدم و هم‌کاران (۱۳۹۲) از دو کودک هشت‌ساله که زبان انگلیسی را به منزله زبان خارجه می‌آموختند خواسته شد تا واژگان زیر را بیاموزند، آن‌ها واژگان را به ترتیب ذیل آموختند:

- سیب؛

- چتر؛

- تایپ کردن؛

- ساکسی فون.

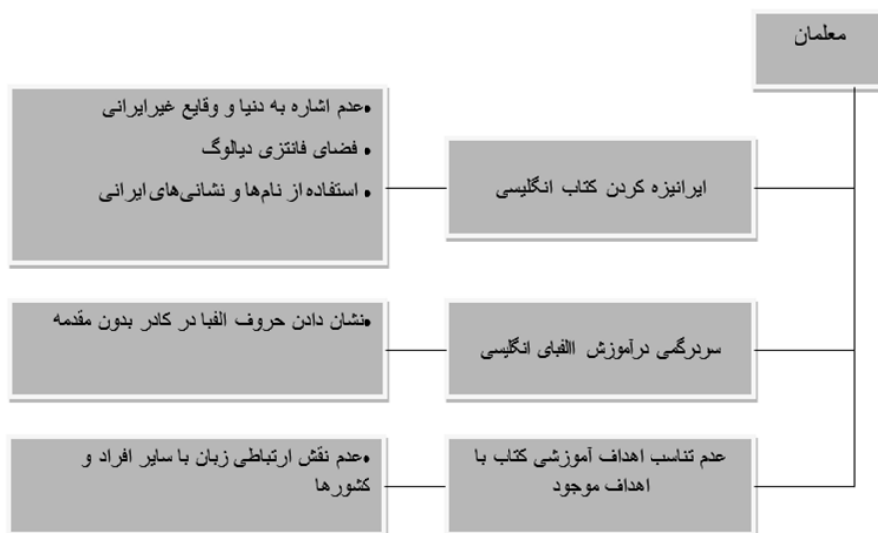
بر پایه رویکرد آموزش زبان مبتنی بر هیجان‌ات در حوزه مدل تحولی - تفاوت‌های فردی مبتنی بر ارتباط واژگان دارای درجاتی از حس عاطفی برای فرزند که درجه هیجانی

واژگان نامیده می‌شود. هر چه واژه دارای درجه بالاتری از حس عاطفی باشد، یادگیری آن راحت‌تر است. در مثال بالا، کودک با «سیب» رابطه عاطفی بیش‌تری برقرار می‌کند تا با واژه «ساکسی‌فون» که نه آن را دیده، نه لمس کرده است، و نه از آن استفاده کرده است؛ پس هیچ حس عاطفی نسبت به این واژه نداشتند. در واقع، ارتباط مستقیمی میان درجه هیجانی واژگان و زبان‌آموزی برقرار است (پیش‌قدم و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۴۹).

در پایان، متأسفانه حتی با ورق زدن کتاب انگلیسی پایه هفتم درمی‌یابیم که مؤلفان کتاب نه تنها کوچک‌ترین توجهی به ایجاد حس عاطفی با واژگان نداشته‌اند، بلکه با ایرانی کردن کتاب و ساختن محیطی غیرواقعی دانش‌آموزان را از فضای واقعی زبان انگلیسی دور کرده‌اند.

۲.۵ بررسی میزان رضایت معلمان از کتاب انگلیسی پایه هفتم

نتایج مصاحبه با معلمان حاکی از آن بود که تقریباً هیچ‌یک از آن‌ها از کتاب انگلیسی پایه هفتم رضایت کامل نداشتند؛ البته بسیاری از آن‌ها در ابتدا نکات مثبت این کتاب را بیان کردند. ۶ نفر از ۱۰ معلم اظهار داشتند این کتاب جنبشی درخور تقدیر در راستای رویکرد ارتباطی (CLT) زبان است. علاوه بر این، تأکید نکردن بر موارد گرامری، داشتن کتاب کار، توجه به مهارت‌های گفتاری و شنیداری، و فرهنگ‌نامه تصویری در انتهای کتاب از دیگر نقاط قوت این کتاب محسوب می‌شوند.



نمودار ۱. طبقه‌بندی سطح کیفی کتاب انگلیسی پایه هفتم به باور معلمان

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، در کتاب جدید پایه هفتم هیچ نشانی از دنیای غیرایرانی نیست. مؤلفان کتاب با نگاه کاملاً جزیره‌ای به زبان سعی در بومی‌سازی مطلق آن داشته‌اند. برای مثال، در صفحه ۲۰ کتاب کار، برای تمرین نوشتن تاریخ به انگلیسی، برخی وقایع داخلی از جمله آغاز هفته دفاع مقدس و روز جمهوری اسلامی ایران به کار رفته است؛ در صورتی که برای ایجاد ارتباط عاطفی با وقایع می‌شد آن‌ها را با رویدادهای تاریخی دیگر کشورها مقایسه کرد و به غنای فرهنگ ایرانی - اسلامی افزود.

از دیگر موارد قابل بحث درباره ایرانی کردن کتاب می‌توان به فضای غیرواقعی گفت‌وگوها اشاره کرد. برای مثال، در صفحه ۳۲ کتاب دانش‌آموز ایرانی وارد خانه می‌شود و «به انگلیسی» از مادرش می‌پرسد پدر کجاست و مادر هم به انگلیسی پاسخ می‌دهد. یا در گفت‌وگوی دیگری در صفحه ۳۸ بین دو دوست (امید و حسین)، امید «به انگلیسی» به حسین می‌گوید که علی مریض است و قرار است به عیادتش برود. در کل این‌گونه به نظر می‌رسد که بومی‌سازی گفت‌وگوها باعث شده است اهداف ارتباطی کتاب کاملاً مصنوعی جلوه کند.

برای ارائه تصویری روشن نمونه‌هایی از این مصاحبه‌ها با معلمان انگلیسی پایه هفتم را ذکر می‌کنیم. یکی از معلم‌ها اظهار داشت:

کتاب جدید حتی نیم‌نگاهی هم به دنیای غربی نداشت. تمام نام‌ها، نشانی‌ها، و تصاویر کاملاً ایرانی بودند. اگر قرار است از ابزار زبانی برای تعامل با افراد در اقصی نقاط دنیا استفاده نکنیم پس چه نیازی به یادگیری آن وجود دارد. اگر کتاب مذکور بر مبنای رویکرد ارتباطی نوشته شده است، پس چرا هیچ‌گونه ارتباط واقعی با دنیای خارج وجود ندارد.

معلم دیگری اظهار داشت:

گنجانیدن مهارت‌های شنیداری و گفتاری در بازه زمانی کم در کلاس‌های پرجمعیت مدارس دولتی به هیچ وجه کاربردی نبود. از دیگر نقاط ضعف کتاب این بود که مؤلفان بدون تدریس حروف الفبا از دانش‌آموزان انتظار داشتند اسم خود و دوستانشان را بنویسند.

۳.۵ تصاویر کتاب

در پایان، ذکر این نکته ضروری است که اگرچه بومی‌سازی و فرهنگ‌سازی مانع از غرب‌زدگی و از خودبیگانگی می‌شود، اما نمی‌توان این فرض را فدای ایجاد ارتباط و حس هیجانی زبان کرد. وجود تصاویر بی‌کیفیت و نامرتب در کتاب حس و ارتباط عاطفی دانش‌آموزان با کتاب را کم کرده است؛ به طوری که، به نظر می‌رسد اگر کتاب از نظر

بصری جذاب‌تر بود، حس عاطفی دانش‌آموزان نسبت به کتاب افزایش می‌یافت. برخی از این تصاویر نامناسب در کتاب به شرح ذیل‌اند:

۱. در صفحه ۶۳، تصویری که برای نشان دادن مفهوم hat استفاده شده است در واقع تصویر cap است؛

۲. در صفحه ۶۹، تصویر working بیش‌تر شبیه جوش‌کاری کردن است؛

۳. در صفحه ۵۱، از تصویر woman بیش‌تر واژه زیارتگاه استنباط می‌شود، نه زن؛

۴. در صفحه ۵۹، از واژه employee (کارمند) دانش‌آموزان واژه و مفهوم مدیر را استنباط می‌کنند (برای درک بهتر ← پیوست).

در پایان، باید خاطر نشان کنیم که با توجه به نقش و جایگاه «مدل تحولی - تفاوت‌های فردی مبتنی بر ارتباط» و نقش اصلی و محوری هیجان‌ات در یادگیری زبان دوم و بیگانه‌گرافه نخواهد بود اگر کتاب انگلیسی پایه هفتم را در ایجاد ارتباط حسی و هیجانی با زبان ناموفق معرفی کنیم، زیرا کتاب مذکور هیچ‌گونه حس و خاطره مثبتی از زبان‌آموزی در ذهن دانش‌آموزان و معلمان پژوهش‌مورد نظر نداشته است. البته تلاش کتاب برای گنجانیدن چهار مهارت زبان در کل کتاب ستودنی و قابل تمجید است و بر اهمیت و جایگاه مهارت‌های شنیداری و گفتاری در مدارس صحنه می‌گذارد.

۶. نتیجه‌گیری

با توجه به نقش ایجاد حس هیجانی زبان در کتاب درسی، به منزله جزء لاینفک یادگیری و آموزش زبان، مطالب گفته‌شده در این قسمت می‌تواند به نیازهای مؤلفان و معلمان پاسخ دهد و آموزش زبان را به تجربه‌ای به‌یادماندنی و لذت‌بخش تبدیل کند.

ماحصل پژوهش حاضر حاکی از آن است که دیدگاه مدل تحولی - تفاوت‌های فردی مبتنی بر ارتباط و تأکید آن بر ایجاد حس هیجانی زبان در چهارچوب کتاب‌های درسی باید مورد توجه مؤلفان قرار بگیرد. بنابراین، بهتر است تصمیماتی در این زمینه اتخاذ شود که هم با افزایش حس هیجانی زبان و هم با فرهنگ و فضاها‌ی اسلامی - ایرانی هم‌سو باشد.

همان‌گونه که قبلاً به آن اشاره شد، تصاویر بی‌کیفیت و نامرتبط در کتاب انگلیسی پایه هفتم امکان هر گونه ارتباط عاطفی و هیجانی با زبان را غیرممکن کرده است؛ به طوری که، به نظر می‌رسد اگر کتاب از نظر بصری جذاب‌تر بود و مؤلفان تعمق بیش‌تری در انتخاب تصاویر و بعضاً اقدام به جانشینی تصاویر فعلی با تصاویر انیمیشن می‌کردند، حس عاطفی و هیجانی دانش‌آموزان در زبان‌آموزی افزایش می‌یافت. بدیهی است دانش‌آموزان میل و

رغبت بیش‌تری برای یادگیری واژگانی دارند که نسبت به آن‌ها حس مثبت دارند. برای آگاهی بیش‌تر مؤلفان و ارتقای سطح کیفیت آموزشی کتاب راه‌کارهای ذیل را ارائه می‌کنیم:

۱. گرینسپن (Greenspan, 2001) یکی از شاخص‌های اصلی زبان‌آموزی را ایجاد تغییرات و هیجانات عاطفی می‌داند و همان‌گونه که تبلور آن در نظریه پیش‌قدم و هم‌کاران (۱۳۹۲) یعنی «آموزش مبتنی بر هیجانات» دیده می‌شود، پسندیده است معیار درجه هیجانی نیز در واژه‌گزینی لغات در کتب درسی بررسی شود؛

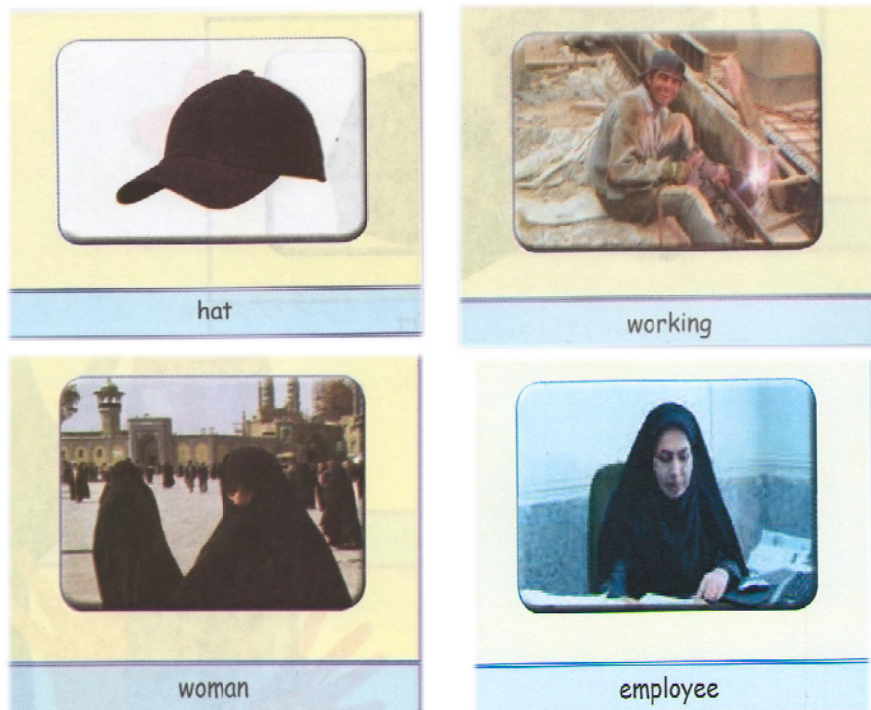
۲. یکی از ابعاد اصلی و محوری سرمایه، سرمایه عاطفی است. توجه به این سرمایه به همراه سایر سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی نقش اعظمی در موفقیت تحصیلی و کاری دارد. بنابراین، آموزش و پرورش باید تلاش کند توجه به این موضوع را در تمامی ابعاد کتب درسی و فرایند زبان‌آموزی مورد توجه قرار دهد؛

۳. طبق گفته کوپر (Cooper, 1997)، تجربیاتی که افراد در مراحل مختلف زندگی کاری و شخصی خود کسب می‌کنند به صورت خاطرات عاطفی در ذهنشان باقی می‌ماند. کتاب درسی می‌تواند نقش بسیار مهمی در شکل‌دهی تجربه آموزشی مؤثر و مهیا کردن دانش‌آموز برای درک و یادگیری مفاهیم جدید داشته باشد. این موضوع نشان‌دهنده تأثیر کتاب درسی شکیل و جذاب در ایجاد حس هیجانی زبان است؛

۴. تلاش ما برای بومی کردن فرهنگ نباید نتیجه معکوس دهد و باعث شود دانش‌آموزان به جای استقبال از فرهنگ بومی و ملی از آن فاصله گیرند. به نظر می‌رسد، با مقایسه فرهنگی شاید بتوان تصویر بهتری از فرهنگ بومی ارائه کرد و شاگردان را به یادگیری بیش‌تر ترغیب کرد. برای نفوذ به ذهن و روح شاگردان بی‌شک باید از دریچه قلب آن‌ها عبور کرد.

امید است مؤلفان با استفاده از پیشنهادهای ارائه‌شده و با به‌کارگیری روش‌های کارآمد زبان‌آموزی به بهبود کیفیت کتاب‌های درسی کمک کنند. شاید زمانی برسد که بتوان با استفاده از تدریس زبان انگلیسی در مدارس به صورت صحیح و مستمر دانش‌آموزان را به یادگیری زبان انگلیسی ترغیب کرد. شایسته است که مسئولان و مؤلفان نسبت به تألیف کتاب‌های درسی تجدیدنظر کنند و اقدامات لازم برای ارتقای سطح کیفیت کتاب‌ها را اتخاذ کنند. نگاه غالب به نظریه تحولی - تفاوت‌های فردی مبتنی بر ارتباط افق فکری مؤلفان را به سوی ایجاد حس هیجانی زبان در قالب تصاویر و واژگان جذاب‌تر سوق می‌دهد. به نظر می‌رسد به‌کارگیری این نظریه می‌تواند تأثیر مطلوبی در بالا بردن سطح کیفی زبان‌آموزی در ایران داشته باشد.

۷. پیوست



پی‌نوشت

1. Developmental, Individual-differences, Relationship-based Model (DIR).

منابع

- امین یزدی، ا. (۲۰۱۲). «رشد یک‌پارچه انسان: مدل تحولی - تفاوت‌های فردی مبتنی بر ارتباط»، پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت، ش ۲.
- پیش‌قدم، ر.، م. طباطباییان، و ص. ناوری (۱۳۹۲). تحلیل انتقادی و کاربردی نظریه‌های فراگیری زبان اول: از پیدایش تا تکوین، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- خدیرشریبیان، ش. و دیگران (۱۳۹۲). انگلیسی دوره اول متوسطه (هفتم)، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- خسروجاوید، م. (۱۳۸۱). «بررسی اعتبار و روایی‌سازی مقیاس هوش هیجانی در نوجوانان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.

- Bourdieu, P. (1986). 'The Forms of Capital', in J. G. Richardson (ed.), *Handbook of Theory and Research for Sociology of Education*, New York: Greenwood Press.
- Bruner, J. S. (1983). *Child's Talk: Learning to Use Language*, New York: Norton.
- Chomsky, N. (1957). *Syntactic Structures*, Paris: Mouton, The Hague.
- Chomsky, N. (1959). 'A Review of B. F. Skinner's Verbal Behavior', *Language*, No. 35.
- Cooper, R. K. (1997). *Executive EQ: Emotional Intelligence in Leadership and Organizations*, New York: Grosset/ Putnum.
- Goleman, D. (1995). *Emotional Intelligence*, New York: Bantam.
- Greenspan, S. I. and S. Shanker (2004). *The First Idea: How Symbols, Language and Intelligence Evolved from Our Primate Ancestors to Modern Humans*, Boston: Da Capo Press, Perseus Books.
- Greenspan, S. I. and S. Wieder (1999). 'A Functional Developmental Approach to Autism Spectrum Disorders', *The Journal of the Association for Persons with Severe Handicaps*, No. 24.
- Greenspan, S. L. (2001). 'The Affect Diathesis Hypothesis: The Role of Emotions in Core Deficits in Autism and in the Development of Intelligence and Social Skills', *Journal of Developmental and Learning Disorders*, No. 5.
- Lazarous, R. S. (1991). *Emotions and Adaptation*, New York: Oxford University Press.
- Le Doux, J. (2003). *Synaptic Self: How Our Brains Become Who We Are?*, New York: Penguin Books.
- Piaget, J. (1954). *The Construction of Reality in the Child*, New York: Basic Books.
- Piaget, J. (1980). 'The Psychogenesis of Knowledge and Its Epistemological Significance', in M. Piattelli-Palmarini (ed.), *Language and Learning: The Debate Between Jean Piaget and Noam Chomsky*, London: Routledge and Kegan Paul.
- Pishghadam, R. (2009). 'A Quantitative Analysis of the Relationship Between Emotional Intelligence and Foreign Language Learning', *Electronic Journal of Foreign Language Teaching*, 6 (1).
- Pishghadam, R., B. Adamson, and S. Shayesteh (2013). 'Emotion-based Language Instruction (EBLI) as a New Perspective in Bilingual Education', *Multilingual Education*, No. 3.
- Salovey, P. and D. Birnbaum (1989). 'The Influence of Mood on Health Relevant Cognitions', *Journal of Personality and Social Psychology*, No. 57.
- Shanker, S. and S. I. Greenspan (2005). 'The Role of Affect in Language Development', *BIBLID*, No. 20.
- Vygotsky, L. (1978). *Mind in Society*, US: Presidents and Fellows of Harvard College.
- Wertsch, J. V. (1985). *Vygotsky and the Social Formation of Mind*, Cambridge: Harvard University Press.
- Widdowson, H. G. (2003). *Defining Issues in English Language Teaching*, Oxford: OUP.